

اولین اثر مستقل درباره مادر امام رضا(ع) منتشر شد

نوی اندلس) پژوهشی مستند و بدیع پیرامون شخصیت و زادگاه مادر گرامی امام رضا(ع) و حضرت عصمه(س) تألیف حجت الاسلام و المسلمین حاج سید محمد صادق مصباح موسوی منتشر شد. یعن اثر کتابی است که مؤلف در طول هفت سال تحقیق و بررسی اکثر کتب مربوط به تاریخ و سیره امام رضا(ع) درباره مادر پرزگوار آن حضرت به رشتہ قلم درآورده است.



پادکست کتاب «حیا» منتشر شد

غمزمان بامیلاد امام رضا(ع) و دهه کرامت، فرهنگسرای اندیشه پادکست جدیدی را برگفته از کتاب «حیا» نوشته میرحسین بازکی پورفرد منتشر کرده است. تسنیم خبرداده که در این پادکست، بخش هایی از کتاب حیا توسط مداداپیشگان صادوسیما خوانش می شود. کتاب حیا توسط امیرحسین بازکی پورفرد و در انتشارات عدیث راه عشق منتشر شده و به بیان جلوه های حیا برآجوع به روایات و آیات قرآن کریم می پردازد.



به مناسبت ولادت حضرت امام الرئوف؛ علی بن موسی الرضا(ع) نگاهی کردیم به مناظره‌های حضرت با عالمان ادیان دیگر و علم زاید الوصف ایشان که در این مناظره‌ها قابل توجه و شگفت‌آور است

امام پرہان قاطع

هر سال ایام انتخابات که می‌شود، رویدادی شوق و شور انتخاباتی را بیش از هر چیز در مردم شکوفا می‌کند و همه آنها را مستقیماً به میدان انتخابات می‌کشاند. این اتفاق که منشأ سیاری از مباحث انتقادی در فرهنگ جمهوری اسلامی بوده، مناظرات انتخاباتی است که هر دوره انتخاباتی به میزانی صدا و سیما برگزار می‌شوند. اساساً موضوع مناظره موضوع جذبی است چراکه دو طرف آن باید در هر مبحث مورد نظر با همان عقلی و منطقی یکدیگر را قناع کنند.

در تاریخ مناظره‌های این چنینی مصادیق مختلفی داشته‌اند و یکی از مهم‌ترین و جالب‌ترین مناظره‌های در تاریخ اسلام، مناظره حضرت رضا(ع) با علمای ادبیان دیگر است. دوران امام هشتم(ع) را در حقیقت باید دوران گفت و گویی ادبیان و مذاهب با مکتب تشیع به امامت امام رضا(ع) بدانیم. لذا مأمون که از مکاری‌ترین خلفای عباسی بود، تلاش می‌کرد برای مقابله با مکتب فکری حضرت رضا(ع) زمینه بیشتری برای ارائه نظرات علمی ادبیان و مذاهب مختلف فراهم کنستاً باین نقشه راهبردی، مرجعیت علمی امام را زیر سوال ببرد. بر همین اساس برای به چالش کشیدن ویژگی‌های علمی امام، مناظرات مهمی بین امام رضا(ع) و پیروان عیسیوی، موسوی و حتی دهربیان (افرادی که اعتقادی به خدا ادا نشتند) و مذاهب فقهی و کلامی ترتیب می‌داد.

در این روزهای غبارتی تبلیغات و ماجراهای انتخاباتی خواهید، فرصت خوبی است تا به سیره حضرت رضا(ع) در مناظره‌های مهم دوران حیات شان توجه کنیم و شرح کوتاهی از تعدادی از این مناظرات را بخوانیم. گزارش امسال حام حم در روز ولادت حضرت سلطان به همین اتفاق اختصاص دارد.

مناظره با جاثلیق نصرانی

طرف اول مناظره:	امام رضا(ع)
طرف دوم مناظره:	جاثلیق نصرانی
موضوع:	حضرت عیسیٰ(ع)
منابع:	جلد ۴۹ بحار الانوار و حلقہ اور عین من اخبار الرضا

زمینه شکل گیری: در تاریخ آمده که مأمون به وزیر خود؛ فضل بن سهل، دستور داد علمای روزتخت و ادیان دیگر را جمع کند تا با آنها سخن را در میان بگذارد. فضل همه آنها را جمع کرد. در این جلسه آنگونه که در تاریخ آمده است امام رضا (ع) با ۷ نفر از عالمان ادیان مختلف یکی پس از دیگری مناظره می‌کند. شرح این مناظره‌ها در تاریخ زندگی اهل بیت (ع) بسیار معروف بوده و زباند است. در همین گزارش شرح مناظره با بعضی از این عالمان را خوانید.

مأمون به عالمان گفت: «من پسر عموبی دارم که می‌خواهم با او مناظره کنید. فردا صبح همه شما نزد من حاضر شوید.» فضل نویلی روایت می‌کند: «مانند حضرت رضا (ع) نشسته بودیم که یاسر، خادمش، وارد شد و عرض کرد: «آقای من! مأمون خدمت شما سلام می‌رساند و می‌گوید فردا علمای ادیان مختلف نزد ما جلسه‌ای تشکیل می‌دهند؛ شما هم تشریف بپارید.»

متن مناظره: آورده‌اند که در جلسه مناظره، مأمون امام راکنار

مناظره با هر بذ زرتشتی

طرف اول مناظره:	امام رضا(ع)
طرف دوم مناظره:	هربندرزتشتی
موضوع:	اثبات نبوت

طرف اول مناظره: امام رضا(ع)

طرف دوم مناظره: هربز زرتشتی

موضوع: اثبات نبوت

منابع: التوحید شیخ صدوq و جلد اول عيون اخبار الرضا

جادلیق گفت: «بله، ولی ما پیامبر عرب نمی‌شنناسیم.» امام شروع کرده خواندن سفر سوم انجیل تا رسید به نام مبارک محمد(ص). بعد فرمود: «ای نصرانی! به حق مسیح و مادرش سوگند، آیا من عالم به انجیل هستم؟» گفت: «آری.» امام طالب مربوط به حضرت رسول اکرم (ص) و اهل بیت و امتش را از انجیل قرائت کرد و سپس پرسید: «ای نصرانی در برابر این گفته‌های انجیل چه می‌گویی؟! اگر انجیل را قبول نکنی و حضرت عیسی(ص) و حضرت موسی(ص) را تکذیب کنی که قتلت واجب است!»

جادلیق گفت: «من به طالب انجیل ایمان دارم.»

سپس از حضرت اسامی حواریون را پرسید.

امام نام آنها را یک به یک بیان کرد و سپس فرمود: «ولی مایه عیسای شما به جهت ضعفی که در عبادت و روزه و نماز داشت، اعتراض داریم!»

جادلیق عصبانی شد و گفت: «من گمان می‌کرم امروز در میان ملت اسلام، از شماداناتر کسی نیست! عیسی شب‌ها بیدار بود و روزه روزه می‌گرفت و در عبادت هرگز کوتاهی نمود!»

امام فوراً فرمود: «اگر چنین است، حضرت عیسی برای چه کسی نماز می‌خواند و روزه می‌گرفت؟! شما که می‌گویید عیسی خداست!»

جادلیق چیزی نگفت.

متن این مذاکره بیشتر از اینهاست و ما در اینجا به منظور پرداختن به مناظره حضرت رضا(ع) با سایر حاضران در این جلسه از مناظره ایشان با جاثلیق که به همین مقدار بسنده می‌کنیم.

جادلیق گفت: «ای جاثلیق! ایشان پسرعموی من، علی بن موسی(ع) از فرزندان فاطمه، دختر پیامبر اسلام(ص) و علی بن طالب(ع) است. دوست دارم با او بحث کنی اما انصاف را هم ایت نمایی.»

جادلیق گفت: «ای امیرمؤمنان! چگونه بحث کنم با مردی که خواهد باما از اکتابی سخن گوید که من آن را قبول ندارم و از خنان پیامبری برای من دلیل بیاورد که به ایمان ندارم؟»

حضرت رضا(ع) در کمال آرامش فرمود: «ای نصرانی! اگر من با جیلی که تو قبول داری، با تو بحث کنم، آیا می‌پذیری؟»

جادلیق گفت: «اماگر من می‌توانم آنچه را نجیل بگوید، رد کنم؟»

به خدا قسم حتی اگر خوشایند نباشد و به ضرر تمام شود، چه انجیل بگوید قبول دارم.»

ام فرمود: «اینکه هر چه می‌خواهی بپرس!»

جادلیق گفت: «درباره نبوت حضرت عیسی چه می‌گویی؟»

ام فرمود: «به نبوت حضرت عیسی(ع) و کتابش اعتقاد دارم که عیسایی که نبوت حضرت محمد(ص) را انکار کند، ایمان ارام.»

جادلیق پرسید: «آیا شاهدی وجود دارد که حضرت عیسی(ع) به دن محمد(ص) مژده داده است؟»

ام فرمود: «آیا یوحنای دلیمی را قبول داری؟»

جادلیق گفت: «به به! نزدیکترین دوست مسیح!»

ام فرمود: «آیا یوحنای نگفت عیسی(ع) مرا به دین محمد(ص) مژده داد و خیرداد که بعد از او ظهور خواهد کرد؟ و آیا یوحنای دین ده را به باران خود نگفت و آیا آنها به محمد ایمان نیاوردند؟!»

مناظره با راس جالوت

طرف اول مناظره:	امام رضا(ع)
طرف دوم مناظره:	جاثلیق نصرانی
موضوع:	پیامبر اکرم(ص)
منابع:	الاحتجاج طبرسی، توحید شیخ صدوق وحدادها، عینون اخبار، اخبار

طرف اول مناظره:	امام رضا(ع)
طرف دوم مناظره:	سلیمان مروزی
موضوع:	بداء، صفات خدا
منبع:	جلداول عيون اخبار الرضا
<p>عمران گفت: بله، به شرط این که دلیلی ارائه بدهند تا بتوانم بر امثال خودم در مأمون گفت: یا بالحسن، درباره آنچه اینان در آن بحث و مشاجره مدارید؟</p> <p>حضرت فرمودند: ای سلیمان، چطور «بداء» را قبول نداری، و حال آن که «أَوْلَا يُذَكِّرُ الْإِنْسَانُ أَنَا حَلَقْنَا مِنْ قَبْلٍ وَلَمْ يَكُنْ شَيْئًا» (آیا انسان نمی گذشته آفریدیم و او هیچ نبود. و نیز فرماید: «وَهُوَ الَّذِي يَنْدُوُ الْخَلْقَ» همان کسی است که خلقت را غازمی کند سپس آن را بازمی گرداند و نه «تَبَرِّعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (پدید آورنده ای اسمان ها و زمین) و نیز: «بَيْدُ الْأَرْضِ» (هر آنچه بخواهد در خلقت می افزاید) و می فرماید: «بَدَا حَلْقُ الْإِنْسَانِ مِنْ أَنْسَانٍ رَالِزَّغَلْ آتَاهَرَكَرْد» و می فرماید: «وَآخِرُونَ مُرْجَعُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يَعْلَمُهُمْ وَإِمَّا يَغْرِبُهُمْ» (و دیگران به انتظار امر خدا اکارده شده اند؛ یا آنان راعذاب می کنند و توبه شان رامی پذیرد) و نیز فرموده است: «وَمَا يَعْمَلُ مِنْ مُعْمَلٍ عَمْرَهُ إِلَّا فِي كِتَابٍ» (هیچ کس پیر و سالخورد نمی شود و نیز عمر هیچ کم مگر این که در کتابی ثبت و ضبط است).</p> <p>سلیمان گفت: آیا در این باره، از پدران خود، روایت به شما رسیده است؟ ایشان فرمودند: بله، از حضرت صادق(ع) این روایت برایم نقل شده است «خداوند دعلم دارد، علمی مخزون و مکنون و پنهان، که کسی به جز آگاهی ندارد، و بدء از آن علم نشأت می کیرد، و علمی که به ملائکه و پیغمبر فرموده و علمای اهل بیت پیامبر ما نیز آن آگاهند».</p> <p>سلیمان گفت: دوست دارم این مطلب را از کتاب خداوند برایم ارائه ده خداوند به پیامبرش می فرماید: «فَتَوَلَ عَنْهُمْ فَمَا لَتَ بِلَمُومٍ» (از آنان ملامت واقع نخواهی شد. خداوند در ابتداء می خواست آنان راهلاک کند. سیاس خوداندی را که مراتوسط شما تشریف عنایت فرمود، ای امیر. مأمون گفت: سیاس خوداندی را که مراتوسط شما تشریف عنایت فرمود، ای امیر. مأمون گفت: عمران این سلیمان مروزی متكلّم خراسان است. عمران گفت: ای امیرالمؤمنین، اومان مکنند در خراسان از نظر بحث و مناظره تک است و «بداء» را نیز منکر است. مأمون گفت: چرا با این امر مستگی به خود او دارد. در این هنگام، امر رضا(ع) وارد شدند و فرمودند: درباره چه صحبت می کردید؟</p> <p>مران گفت: یا ابن رسول ا... این شخص سلیمان مروزی است.</p> <p>لیلیمان (به عمران) گفت: آیا گفته ابوالحسن را در باره 『بداء』 قبول داری؟</p>	<p>عمران گفت: بله، به شرط این که دلیلی ارائه بدهند تا بتوانم بر امثال خودم در مأمون گفت: یا بالحسن، درباره آنچه اینان در آن بحث و مشاجره مدارید؟</p> <p>حضرت فرمودند: ای سلیمان، چطور «بداء» را قبول نداری، و حال آن که «أَوْلَا يُذَكِّرُ الْإِنْسَانُ أَنَا حَلَقْنَا مِنْ قَبْلٍ وَلَمْ يَكُنْ شَيْئًا» (آیا انسان نمی گذشته آفریدیم و او هیچ نبود. و نیز فرماید: «وَهُوَ الَّذِي يَنْدُوُ الْخَلْقَ» همان کسی است که خلقت را غازمی کند سپس آن را بازمی گرداند و نه «تَبَرِّعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (پدید آورنده ای اسمان ها و زمین) و نیز: «بَيْدُ الْأَرْضِ» (هر آنچه بخواهد در خلقت می افزاید) و می فرماید: «بَدَا حَلْقُ الْإِنْسَانِ مِنْ أَنْسَانٍ رَالِزَّغَلْ آتَاهَرَكَرْد» و می فرماید: «وَآخِرُونَ مُرْجَعُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يَعْلَمُهُمْ وَإِمَّا يَغْرِبُهُمْ» (و دیگران به انتظار امر خدا اکارده شده اند؛ یا آنان راعذاب می کنند و توبه شان رامی پذیرد) و نیز فرموده است: «وَمَا يَعْمَلُ مِنْ مُعْمَلٍ عَمْرَهُ إِلَّا فِي كِتَابٍ» (هیچ کس پیر و سالخورد نمی شود و نیز عمر هیچ کم مگر این که در کتابی ثبت و ضبط است).</p> <p>سلیمان گفت: آیا در این باره، از پدران خود، روایت به شما رسیده است؟ ایشان فرمودند: بله، از حضرت صادق(ع) این روایت برایم نقل شده است «خداوند دعلم دارد، علمی مخزون و مکنون و پنهان، که کسی به جز آگاهی ندارد، و بدء از آن علم نشأت می کیرد، و علمی که به ملائکه و پیغمبر فرموده و علمای اهل بیت پیامبر ما نیز آن آگاهند».</p> <p>سلیمان گفت: دوست دارم این مطلب را از کتاب خداوند برایم ارائه ده خداوند به پیامبرش می فرماید: «فَتَوَلَ عَنْهُمْ فَمَا لَتَ بِلَمُومٍ» (از آنان ملامت واقع نخواهی شد. خداوند در ابتداء می خواست آنان راهلاک کند. سیاس خوداندی را که مراتوسط شما تشریف عنایت فرمود، ای امیر. مأمون گفت: سیاس خوداندی را که مراتوسط شما تشریف عنایت فرمود، ای امیر. مأمون گفت: عمران این سلیمان مروزی متكلّم خراسان است. عمران گفت: ای امیرالمؤمنین، اومان مکنند در خراسان از نظر بحث و مناظره تک است و «بداء» را نیز منکر است. مأمون گفت: چرا با این امر مستگی به خود او دارد. در این هنگام، امر رضا(ع) وارد شدند و فرمودند: درباره چه صحبت می کردید؟</p> <p>مران گفت: یا ابن رسول ا... این شخص سلیمان مروزی است.</p> <p>لیلیمان (به عمران) گفت: آیا گفته ابوالحسن را در باره 『بداء』 قبول داری؟</p>

داری که بنی اسرائیل برادرانی غیر از فرزندان اسماعیل نداشتند؟
الجلالوت گفت: بله، این گفته موسی است و ما آن را در نمی کنیم.
برت فرمودند: آیا برادران بنی اسرائیل پیامبری غیر از محمد
است... علیه وآلہ آمده است؟
بنه:
برت فرمودند: آیا از نظر شما این مطلب صحیح نیست؟
آری صحیح است، ولی دوست دارم صحت آن را از تورات برایم
کنیم: «نور از کوه تورسینا آمد و از کوه ساعیر بر مادر خشید و از کوه
بر مرما آشکار گردید؟»
الجلالوت گفت: باین کلمات آشنا هستم، ولی تفسیر آها را
آنم.
برت فرمودند: من برایت خواهم گفت. جمله «نور از کوه تورسینا
اشارة به وحی خداوند است که در کوه تورسینا بر موسی (ع)
کرد و جمله «از کوه ساعیر بر مادر خشید» اشاره به کوهی است که
نند آن بر عیسی بن مريم (ع) وحی فرمود و جمله «از کوه فاران بر
لکار گردید» اشاره به کوهی از کوههای مکه است که فاصله ااش تا
یک روز است و شعبای پیامبر (ع) طبق گفته تو و دوستانت، در
آن گفته است: «دو سوار از میانم که زمین برایشان می درخشد:
از آن سوار بر درازگوشی است و آن دیگری سوار بر شتر». سوار بر
وش و سوار بر شتر کیستند؟
الجلالوت گفت: آنان رانمی شناسم، معرفی شان کن.
برت فرمودند: آن که بر درازگوش سوار است، عیسی (ع) است و آن
سوار محمد (ص)، آیا این مطلب تورات را منکر هستی؟ گفت: نه،
نه کنم.
مناظره بسیار مفصل تراست. علاقه مندان برای مطالعه می توانند
ب معرفی شده در بخش منابع مراجعه نمایند.